

## ماهیت روح القدس در عرفان مسیحی و اسلامی

جمشید سرمستانی<sup>۱</sup>

علیرضا ابراهیم<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۳

### چکیده

روح القدس اقنوم سوم از اقانیم سه‌گانه در عرفان مسیحی و وجودی مقدس در اسلامی است که در باب ابعاد ماهیت آن در عرفان مسیحی و اسلامی تلاش شایسته‌ای صورت نگرفته است. در تبیین این ماهیت، این دو پرسش اساسی این است که روح القدس چیست و چه ویژگی‌ها و صفاتی دارد؟ این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد مقایسه انجام شده و داده‌های آن از طریق منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری گردآوری شده است و هدف اصلی آن شناخت ابعاد گوناگون ماهیت روح القدس در عرفان مسیحی و اسلامی و تعیین وجوه مشترک این ماهیت است. ضرورت و اهمیت این پژوهش مبتنی بر این واقعیت است که انسان‌ها با شناخت ماهیت روح القدس، می‌توانند به توانمندی‌های مادی و معنوی و ظرفیت‌های او شناخت پیدا کنند و از این طریق، از آن‌ها بهره‌مند شوند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که به علت وجود اشتراک فراوان در ابعاد ماهیتی روح القدس در عرفان مسیحی و اسلامی، ماهیت این وجود مقدس در عرفان این دو دین، یکسان است و روح القدس عارفان مسیحی - با اندکی اغماض - همان روح القدس عارفان مسلمان است.

**واژگان کلیدی:** روح القدس، ماهیت روح القدس، عرفان مسیحی، عرفان اسلامی، حقیقت محمدی، حقیقت

عیسوی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری ادیان و عرفان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال Ketab40@gmail.com

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال A\_Ebrahim@iau-tnb.ac.ir

## مقدمه

روح القدس وجودی مقدس در دین و عرفان مسیحیت و اسلام است که در متون دینی و عرفانی اسلام - درمقایسه با متون مسیحی - کم‌تر به‌عنوان یک موضوع بدان پرداخته شده است و از همین رو، شناخت آن مستلزم تلاش‌هایی شایسته برای تبیین ابعاد وجودی این وجود مقدس است. ابعاد و حوزه‌های فراوانی برای مطالعه درمورد این روح مقدس وجود دارد؛<sup>۱</sup> یکی از ابعادی که این پژوهش قصد دارد به آن بپردازد ماهیت این وجود مقدس از منظر عرفان مسیحی و اسلامی است<sup>۲</sup> که خوش‌بختانه مطالب مرتبط با این موضوع و حوزه در منابع اسلامی - برخلاف حوزه‌های دیگر - قابل توجه است. برای دستیابی به این هدف باید به دو این پرسش اساسی پاسخ داده شود که روح القدس چیست و چه ویژگی‌ها و صفاتی دارد؟ بنابراین نخست باید بدانیم که به چه چیزی روح القدس گفته می‌شود و سپس ببینیم که این وجود، چه ویژگی‌ها و صفاتی دارد.

روش تحقیق متناسب با این موضوع، روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد مقایسه است که داده‌های آن نیز از طریق منابع کتاب‌خانه‌ای و نرم‌افزاری قابل گردآوری می‌باشد. در درباب ضرورت و اهمیت این مطالعه، ذکر این واقعیت کافی است که انسان‌ها با شناخت ماهیت روح القدس، می‌توانند به توانمندی‌های مادی و معنوی و ظرفیت‌هایی شناخت پیدا کنند که خداوند آن‌ها را به وجودی غیر از روح القدس اعطا کرده است و شناخت این توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها نیز نخستین لازمه‌ی بهره‌مندی افراد از آن‌ها است.

پیش از این مطالعاتی درباب ماهیت روح القدس صورت گرفته است ولی همه‌ی این مطالعات از دیدگاه کتاب مقدس، قرآن کریم، احادیث و تفاسیر بوده است. بنابراین، وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین، پرداختن به این موضوع از منظر عرفان مسیحی و اسلامی است.

ترتیب کلی بیان مطالب مبتنی بر ترتیب تاریخی، یعنی نخست مطالب عرفان مسیحی و سپس مطالب عرفان اسلامی است؛ ولی در مواردی، برای تبیین بهتر مطالب، این ترتیب رعایت نخواهد شد. سیر منطقی مطالب نیز از شناخت چیستی روح القدس آغاز می‌شود و با بیان ویژگی‌ها و صفات این وجود مقدس ادامه خواهد یافت. در تبیین هر یک از این موضوع‌ها، با انجام مقایسه‌ای منطقی به نتیجه‌ای روشن دست خواهیم یافت و سرانجام در یک جمع‌بندی نیز به بیان موارد مشترک در عرفان مسیحی و اسلامی خواهیم پرداخت؛ ولی

---

<sup>۱</sup> برخی از این ابعاد عبارتند از: ماهیت روح القدس؛ کارکردهای روح القدس؛ تأثیرات روح القدس بر جهان خلقت؛ جایگاه و نقش روح القدس در دین و عرفان اسلام و مسیحیت؛ آرا و نظرات دینی و عرفانی درباب روح القدس؛ آثار و نتایج بهره‌مندی از روح القدس و ...

<sup>۲</sup> پژوهشگر، در مقاله‌ای دیگر به «ماهیت روح القدس از دیدگاه کتاب مقدس و قرآن کریم» پرداخته است.

به علت محدودیت حجم صفحات مقاله به ذکر و مقایسه‌ی ابعاد غیرمشترک و متناقض ماهیت روح القدس نخواهیم پرداخت. ذکر این نکته نیز ضروری است که برخی از ویژگی‌های بیان شده در این پژوهش (مانند ویژگی الهامگری) را می‌توان جزو کارکردهای روح القدس نیز دانست؛ اما به هر صورت، از آنجا که این گزاره‌ها بیانگر ویژگی‌های این وجود مقدس نیز هستند، آن‌ها را در این پژوهش بیان نموده‌ایم. و نکته‌ی مهم‌تر این‌که، آرا و نظرات بیان شده در این پژوهش، صرفاً بیان نظرات عارفان مسلمان و مسیحی است و پژوهشگر در تأیید یا رد هیچ یک، نظری ابراز نکرده است.

### ۱- چیستی روح القدس

برای بررسی چیستی روح القدس در عرفان مسیحی و اسلامی نخست باید دانست که در متون عرفانی با چه نام‌های دیگری از این وجود مقدس اسم برده شده است. یعنی باید نخست باید بدانیم که چه نام‌هایی، نام‌های دیگر روح القدس هستند و سپس ببینیم که آن نام‌ها چه ویژگی‌ها و صفاتی دارند. این روش به ما کمک می‌کند تا به ابعاد بیش‌تری از ماهیت روح القدس دست یابیم. برای نمونه، اگر نشان دهیم که عقل اول، نامی از نام‌های روح القدس در عرفان اسلامی است که با روح القدس یکی است، هر ویژگی و صفتی که برای عقل اول بیان شده باشد، ماهیت روح القدس نیز هست. در عرفان مسیحی نیز همین حقیقت - البته با گستره‌ای محدودتر - مصداق دارد.

پیش از پرداختن به چیستی روح القدس، لازم بود به شناخت واژه‌ی «روح القدس» بپردازیم؛ ولی از آنجا که در مقالات و رساله‌های دیگر به صورت مکفی و مبسوط به «واژه‌شناسی روح القدس» پرداخته شده است، از تکرار این مطلب صرف نظر می‌کنیم.

### ۱,۱- نام‌های روح القدس

یکی از مفاهیم ناظر به روح القدس که می‌تواند بیانگر ابعاد وجودی او باشد، نام‌های روح القدس است. این نام‌ها در عرفان مسیحی و اسلامی، یک مفهوم قراردادی بدون مسمی نیستند، بلکه با دقت و ظرافت چیستی، ذات، ویژگی‌ها و صفات او را بیان می‌کنند.

در عرفان مسیحی تأکیدی بر نام‌های روح القدس وجود ندارد؛ و -برخلاف عرفان اسلامی- فقط چند نام اضافه بر نام‌های ذکر شده در کتاب مقدس برای او به کار رفته است. با فرض اینکه عارفان مسیحی همه‌ی نام‌های روح القدس در کتاب مقدس<sup>۱</sup> را نام‌های او بدانند، نام‌های مذکور در کتاب مقدس ۶۳ نام به شرح زیر هستند:

<sup>۱</sup> مجموع نام‌های مذکور در عهد عتیق و عهد جدید.

انگشت خدا، تسلی دهنده (مدد کننده)، جبرائیل، جلال خدای اسرائیل، جلال یهوه، خدا، دست سلطان تعالی یهوه، روح جبرائیل، روح القدس، روح انصاف، روح او، روح ایمان، روح آزاد، روح بندگی، روح پدر، روح پذیرفتگی، روح پسر، روح تأدیب، روح ترس یهوه (خداوند)، روح تضرعات، روح تعبیر خوابها، روح جلال، روح حق، روح حکمت، روح حل معماها، روح حیات، روح خدا، روح خدایان، روح درک معرفت خداوند، روح راستی، روح سلطان تعالی یهوه، روح سوختگی، روح عیسی، روح فاضل، روح فطانت، روح فهم، روح فیض (روح نعمت)، روح قدوس، روح قدوسیت، روح قوت، روح گشودن عقدهها، روح محبت، روح مسیح، روح مشورت، روح معرفت، روح مکاشفه (روح کشف)، روح من، روح مهربان، روح نبوت، روح وعده، روح یهوه، فرشته، فرشته یهوه، فیض، فیض عظیم، قدوس، قوت، قوت حضرت اعلی، قوت خدا، قوت عظیم، گواه خداوند، معرفت جلال یهوه، نفخه ی قادر مطلق.

البته برخی منابع مسیحی این نامها را تا ۱۲۶ نام ذکر کرده‌اند (See compelling truth) ولی نویسنده با حذف نامهای مشابه (مانند روح او، روح خود، روح خدا، روح خدای قدوس و...) شمار آنها را به این عدد محدود کرده است.

در عرفان اسلامی نیز این نامها بیش از یکصد و ده نام و به شرح زیر هستند. از میان این نامها تنها چند مورد از آنها نامهایی هستند که در قرآن کریم ذکر شده‌اند.

اراده، ام‌الکتاب، امام مبین، امداد الهی، انسان کامل، انسان کبیر، آدم، برزخ الجامع، بیت الله، بیت اول، بیت العتیق، بیت المعمور، تجلی ساری، تعین اول، جبرئیل، جبرئیل امین، جوهر، حجاب الأبيض، حضرة الالوهیة، الحضرة الواحديّة، حضرت حقائق، حق المخلوق به، حقیقت الحقائق، حقیقت کلیه، حقیقت محمّدیّه، خزانه عقول مستفاده، خفی، خلیفه الله، دره بیضاء، رحمت امتنانیه، رحمت واسعہ الهیه، رسول خدا، رسول وحی، رق منشور، روح، روح الوحی، روح التمثیل، روح الإنشاء، روح التنزل، روح الإضافة (روح اضافی)، روح اعظم، روح الأرواح، روح الالتقاء، روح الامین، روح الکلی، روح محمدی، روح، سرّ، سروش اعظم، صدر، ظل، ظل اول، عالم عقول، عدل، عرش، عرش عظیم، عرش مجید، عقاب، عقل، عقل اول، عقل عاشر، عقل کل، عماء، عنقاء، عین واحده، فؤاد، فیض اقدس، فیض ذاتی، فیض مقدس، قدرت، قلب، قلم، قلم اعلی، قلم اول، قلم نگارنده در قلوب، کدبانوی عالم طبیعت، کرسی، کلمه، لوح قضاء، ماده اولی، ماده کلیه، مبدا کلّ مراد، مرآت حق، مرتبه جمع، مرتبه جمعیت، مرکز دائره، مسجد اقصی، مشیت وجوبی و فعلی، معلّم الاول، معلّم شدید القوی، مفیض، مقام احدیت و واحدیت، مکمل، ملاک النجاة، ملک مقرب، ممکن اشرف، ناموس اکبر، نفس، نفس الاولی، نفس رحمانی، نفس کلی، نقطه، نور، نور اقرب، نور اول، نور محمدی، وجود منبسط، هباء، و هیولی...

البته همه‌ی این نامها را عارفان وضع نکرده‌اند، بلکه برخی از آنها توسط حکما و فلاسفه‌ی مسلمان وضع شده‌اند و عارفان نیز در آثار خود از آنها استفاده کرده‌اند. در متون عرفانی تعلق هریک از این نامها به روح

القدس به گونه‌ای مورد تأیید و تأکید عارفان قرار گرفته‌اند. برای مثال قیصری می‌فرماید: "عرفا از عقول تعبیر به روح نموده‌اند و روح القدس را عقل اول می‌دانند." (آشتیانی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۵)

نام‌های «مسیح ازلی و لوگوس، کلمه» نام‌هایی هستند که اضافه بر نام‌های کتاب مقدس، در متون کلامی و عرفانی مسیحی برای روح القدس ذکر شده‌اند. در عرفان اسلامی نیز نام‌های «حقیقت محمدی، انسان کامل، جبرئیل، عقل اول و عقل عاشر» بیشترین ماهیت روح القدس را بر خود حمل می‌کنند و بیشترین بسامد را در میان همه‌ی نام‌های او در متون عرفانی دارند. بنابراین در صفحه‌های بعد برای بیان ماهیت روح القدس از این نام‌ها استفاده خواهد شد.

## ۱،۲- فرشته

پژوهشگر برای اثبات فرشته بودن روح القدس در بیانات عارفان مسیحی بیان صریحی نیافته است؛ ولی با استناد به کتاب مقدس - که منبع عقاید عارفان مسیحی است - و اشارات پولس که از نخستین عارفان مسیحی است، می‌توان به این حقیقت دست یافت که روح القدس همان «فرشته‌ی یهوه» و «فرشته‌ی خدا» می‌باشد. مذکور در کتاب مقدس است.

در داستان بشارت داده شدن حضرت یحیی به حضرت زکریا (لوقا، فصل ۱) نخست از «فرشته‌ی یهوه» که "بر زکریا ظاهر گشت" (لوقا، فصل ۱، بند ۱۱) نام برده شده است. سپس برای فرشته‌ی یهوه از نام «فرشته» استفاده می‌شود (همان، بند ۱۳) پس از آن او برای خبر دادن از خود، از نام «روح القدس» استفاده می‌کند؛ و سرانجام، این فرشته، خود را با نام «جبرائیل» معرفی کرده و می‌گوید: "من جبرائیل هستم" (همان، بند ۱۹)

بنا به دو قرینه و دلیل می‌توان نتیجه گرفت که منظور از «فرشته‌ی یهوه» (فرشته‌ی خدا) که در بندهای پیش و بسیاری از بندهای دیگر کتاب مقدس آمده، «روح القدس» است:

(۱) پولس در غلاتیان می‌گوید: مرا چون فرشته‌ی خدا و مثل مسیح عیسی پذیرفتید. (غلاتیان، فصل ۴، بند ۱۲) از آنجا که از نظر پولس، پذیرفتن پدر، پسر و روح القدس رکن اساسی ایمان مسیحی است، منظور از فرشته‌ی خدا در این بند، روح القدس است نه فرشته‌ای دیگر.

(۲) در داستان فیلیپس برای روح القدس نخست از نام «فرشته‌ی یهوه» و سپس از نام «روح» - که همان روح القدس است<sup>۱</sup> - استفاده شده است:

۲۶ اما فرشته‌ی یهوه به فیلیپس خطاب کرده گفت: برخیز و به جانب جنوب به راهی که از اورشلیم به سوی غزه می‌رود که صحراست روانه شو. ۲۷ پس برخاسته روانه شد که ناگاه شخصی حبشی که خواجه‌سرا و مقتدر نزد کُنداکه ملکه‌ی حبش و بر تمام خزانه‌ی او مختار بود به اورشلیم به جهت عبادت آمده بود ۲۸ و

<sup>۱</sup> براساس بررسی‌های این مقاله، در عهد عتیق ۲۱ بار، و در عهد جدید، بیش از ۱۱۰ بار برای اشاره به روح القدس، از واژه‌ی «روح» استفاده شده است.

در مراجعت بر ارابه‌ی خود نشسته صحیفه‌ی اشعیای نبی را مطالعه می‌کند. ۲۹ آن‌گاه روح به فیلیس گفت: پیش برو و با آن ارابه همراه باش. (اعمال، فصل ۸، بند ۲۶ تا ۲۹)

پژوهشگر دلیل سومی نیز دارد که به علت محدودیت حجم مطالب مقاله، بیان آن در این جا میسر نیست. اما در عرفان اسلامی روح القدس به روشنی، یک فرشته معرفی شده است. علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: "در روایات فراوانی آمده است که روح القدس فرشته است." (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۲۴) شیخ اشراق این گونه او را فرشته خطاب کرده است: "و از نزدیک صانع به واسطه‌ی فرشته‌ای که او را «جبرئیل» خوانند و «روح القدس» گویند، خبر باز داده است که عبادات و دیگر احوال پیش گیرند و ... " (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۵۵) صاحب کیمیای سعادت نیز با این بیان، روح القدس را فرشته دانسته است: "جوهری لطیف است حق تعالی را ... و آن جوهر را فریشته خوانند، و روح خوانند، و روح القدس خوانند. (غزالی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۴) صاحب شمس المعارف، روح القدس را فرشته‌ای بزرگ می‌داند که خداوند -به جز عرش- موجودی بزرگ‌تر از آن خلق نکرده است. (البونی، ۱۴۲۷ ق، ص ۱۵۶)

### ۱,۳- جبرئیل

در نگاه بسیاری از عارفان مسلمان، جبرئیل و روح القدس یکی است. محمد غزالی و فیض کاشانی از خبری می‌گویند که خداوند در آن از دو بنده‌ی خود یاد کرده، که نام یکی جبرئیل و روح القدس و [روح] الامین است و در نزد خداوند محبوب و مطاع و مکین است، و دیگری که تا روز قیامت مورد لعن اوست، ابلیس است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص ۱۷۳ و غزالی، احیاء علوم، ج ۱۲، ص ۹۴)

عطار نیز بر یکی بودن جبرئیل، روح القدس و روح الامین صحنه گذاشته و می‌فرماید: "در بعضی از آیات به جای جبرئیل، روح القدس یا روح الامین است مثل آیه «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ» (نحل: ۱۰۲) و آیه «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ» (شعراء: ۱۹۳) (عطار نیشابوری، ۱۳۷۶، ص ۴۵۸)

قشیری در تعریف کلمه‌ی قدوس مصداق‌هایی برای صفت قدس می‌دهد و از جمله‌ی آن‌ها می‌گوید: "و به جبرئیل علیه السلام روح القدس گفته شده برای این که در رساندن وحی به پیامبران علیهم السلام از عیوب [کم گذاشتن و خیانت] پاک بود. (ن. ک: القشیری، متوفی ۴۶۵ ق، ج ۳، ص ۳۶۱)

میبیدی روح القدس را در آیه‌ی «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ» جبرئیل می‌داند. (ابو الفضل میبیدی، ج ۹، ص ۲۳۶) ایشان در سطور دیگری می‌فرماید: "آن گه پیغام و امر الهی بعد از کمال مدت شش ماه بر شخص وی ظاهر گشت و روح القدس جبرئیل بعد از آن که مکاشف روح وی بود مشاهد حس وی شد و بچشم سر بدید." (همان) ایشان در بیان حکایتی به این مسأله این گونه اشاره کرده است: "عیسی بر جبرئیل رسید گفت: السلام علیک یا روح القدس. جبرئیل گفت: و علیک یا روح اللّه." (ابولفضل میبیدی، -، ج ۱، ص ۲۶۳)

نجم الدین رازی در توصیف واقعه‌ی معراج جبرئیل را این گونه روح القدس می‌خواند که: "جملگی ارواح چون جبرئیل که روح القدس بود، فریاد برآوردندی که «لو دنوت انمله لاحتراقت»." (نجم‌الدین رازی، ۱۳۲۲ق، ص ۶۵)

البته در متون عرفانی نظراتی مبنی بر یکی نبودن جبرئیل و روح القدس نیز وجود دارد که این نظرات در اقلیت قرار دارند. برای نمونه ن.ک: (الشعرانی، ۲۰۰۷ م، ص ۹۸) و (روزبهان بقلی شیرازی، ۱۳۴۹، ص ۶۰۲)

پژوهشگر نتوانسته نظری از عارفان مسیحی در این باب بیابد، ولی اگر کتاب مقدس را مبنای نظر آنان بدانیم، آنچه از ظاهر آن دانسته می‌شود این است که جبرئیل و روح القدس دو وجود جدا هستند. (برای نمونه ن.ک: دانیال، فصل ۸، بند ۱۵ و ۱۶؛ لوقا، فصل ۱، بند ۲۶ تا ۲۷ و ۳۴ تا ۳۵؛ متی، فصل ۱، بند ۱۸ تا ۲۰) اما با تعمق در بندهای دیگر (دانیال، فصل ۹، بند ۲۱ و ۲۲) می‌توان دانست که جبرئیل همان روح القدس است؛ زیرا کارکردهای مخصوص روح القدس مانند تعبیر خواب (دانیال، فصل ۸، بند ۱۵ و ۱۶) و بخشیدن فطانت (دانیال، فصل ۵، بند ۱۲) و بخشیدن فهم (اشعیا، فصل ۱۱، بند ۲) در کتاب مقدس فقط برای روح القدس بیان شده است.

#### ۱،۴- «مسیح ازلی یا لوگوس» و «حقیقت محمدی»

در عرفان مسیحی، مسیح ازلی مطرح شده از سوی پولس -که همان حقیقت عیسوی است- و لوگوس یوحنا، با روح القدس یکی است. " نزد پولس، روح القدس ازلی و مسیح ازلی غیرجسمانی یکی است." (ن.ک: ولفسون، ۱۳۸۹: ۱۹۲) " پولس با توجه به سنت یهودی، مفهوم مسیح ازلی را مطرح کرد، که وی آن را «حکمت» و «روح القدس» می‌خواند. زمانی که یوحنا آن مفهوم مسیح ازلی را پذیرفت، آن را به لفظ فیلونوی «لوگوس» تغییر نام داد. بنابراین، آن مسیح ازلی نام‌های «حکمت»، «روح القدس» و «لوگوس» را به خود گرفت." (ن. ک: ولفسون، ۱۳۸۹: ۳۲۷) لوگوس نامی است که توسط یوحنا -در ادامه‌ی طرح مسیح ازلی پولس، در قالب فلسفه‌ی فیلونوی- جای‌گزین حکمت یا روح القدس پولس شد (ن.ک: ولفسون، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

مسیح ازلی یا لوگوس در واقع همان «حقیقت عیسوی» است و این حقیقت را این گونه می‌توان بیان کرد که: "شخص مسیح به عنوان یک موجود واقعی غیر جسمانی عملاً پیش از آفرینش جهان خلق شد. (ن.ک: ولفسون، ۱۳۸۹: ۱۸۵) از نظر آباء رسولی، پیش از تولد عیسی تنها دو موجود ازلی، یعنی خدا و روح القدس وجود داشت، که دومی با مسیح ازلی یکی انگاشته می‌شود و لوگوس نیز با روح القدس یکی دانسته می‌شود. (ن.ک: ولفسون، ۱۳۸۹: ۲۱۱)

در عرفان اسلامی نیز حقیقت محمدی که روح و نور حضرت محمد است، با روح القدس یکی است. "نبی اکرم (ص) فرمود: من و علی از روح واحد و نور واحدی هستیم و از نظر عرفانی این روح واحد همان روح اعظم یا روح القدس اعلی است که مختص نبی اکرم (ص) و حضرت علی (ع) است و آن حقیقت محمدیه است که فرمود: «اول ما خلق الله روحی»، «اول ما خلق الله نوری»، «اول ما خلق الله العقل». چهارده هزار سال پیش از آنکه خداوند آدم خاکی را بیافریند من و علی نور واحد بودیم." (آشتیانی، ۱۳۷۰، ص ۸۰۳)

ابن ترکه، حقیقت محمدی را روح القدس می داند و می فرماید: "و حقیقت محمدی عقل اول است، که روح اعظم<sup>۱</sup> است، که «اول ما خلق الله العقل» و «اول ما خلق الله نوری» و «اول ما خلق الله روحی». " (ابن ترکه، شرح گلشن، ۱۳۷۵، ص ۴۰)

ملا علی نوری نیز روح القدس اعلی را همان حقیقت محمدیه و حقیقت «آدم الاولی» می داند و می فرماید: "این روح اعظم و حقیقت محمدی (ص) که به حسب مقام اطلاق خود عاری از هر تعین و قیدی است به اطلاق خود ساری در تمامی حقایق است و نبوت تمامی انبیا، شعاعی از انوار نبوت آن خورشید اعظم است." (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۶۶)

گزاره‌های پیش این حقیقت را بیان می کند که حقیقت عیسوی (مسیح ازلی یا لوگوس) و شخص حضرت عیسی (عیسای ناصری)، حقیقت محمدی (روح و نور پیامبر) و شخص حضرت محمد (صورت محمدی)، و روح القدس، همگی یک وجود و یک حقیقت واحد هستند.

## ۲- ویژگی‌ها و صفات مشترک روح القدس

در این بخش به بیان آن دسته از ویژگی‌ها و صفات روح القدس می پردازیم که در عرفان مسیحی و اسلامی کم و بیش مشترک هستند. ویژگی‌ها و صفات روح القدس، بهترین گزاره‌ها برای بیان ماهیت او بوده و بیانگر ذات، توانمندی‌ها و برخی کارایی‌های ویژه‌ی هستند. این ویژگی‌ها تنها مختص اوست و هیچ وجود دیگری از آن برخوردار نیست. اما اگر اخبار، نشانه‌ها یا قرائنی مبنی بر برخورداری وجودی دیگر از این ویژگی‌ها به دست آمد، دلیلی بر این حقیقت است که آن وجود با روح القدس یکی است. برای مثال، واسطه‌ی فیض بودن ویژگی خاص روح القدس است؛ (ن.ک: جامی، ۱۳۷۰، ص ۴۰) حال اگر خبری مبنی بر برخورداری پیامبر اسلام از این ویژگی دریافت شد، بدین علت است که ایشان با روح القدس یکی است

<sup>۱</sup> روح اعظم، نامی از نام‌های روح القدس است.



و روح القدس اولین خلق و نور و روح پیامبر است؛ زیرا که "اول ما خلق الله نوری" (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۹) و "اول ما خلق الله روحی" (البرسی، متوفی ۸۱۳ق، ص ۲۴) پژوهشگر بر آن دسته از ویژگی‌ها و صفاتی از روح القدس متمرکز شده که در عرفان مسیحی و اسلامی مشترک‌اند؛ ولی از ویژگی‌ها و صفاتی نیز که در عرفان این دو آیین با هم در تضاد بوده یا همانند نیستند نیز غفلت نکرده و به بیان آن‌ها نیز پرداخته است.

#### ۲،۱- منشأ و واسطه‌ی معرفت و حقیقت

کلمنت اسکندرانی (۱۵۰ تا ۲۲۰م) معتقد است که معرفت به وسیله‌ی روح القدس مکشوف می‌شود.

(See Robert and Donaldson, 1962: 509)

سیلوان در وصف تجربه‌ی خود از روح القدس می‌گوید: "به واسطه روح القدس نفس من توانست به خدا معرفت یابد." (Bishop Alexander, 1975: 113) او معرفت به خداوند را از طریق روح القدس دریافته بود. (Bishop Alexander, 1975: 88) برطبق گفته‌ی جوزف اسمیت، روح القدس بر وی و کاتب او اولیور کاودری (Oliver Cawdery) نازل شد و آن دو از روح القدس پر شدند. آنان بر این باور بودند که به لطف این واقعه معانی حقیقی صفحات سری کتب مقدسه را درک کرده‌اند. (ن.ک: فانینگ، ۱۳۸۴: ۳۷۵)

والتر هیلتون نزول روح القدس بر حواریون و بر هر کس دیگر را محصول جذب و سکر و خلسه‌ی عرفانی نمی‌داند؛ بلکه آن را امری مبتنی بر عقل و منطق می‌شمارد؛ امری چنان واقعی که موجب دانستن همه‌ی حقایق می‌شود و باطن اشیا را نمایان می‌کند. (See Walter Hilton, 1991:83-84) بومه درباب معرفت شناسی معتقد است که "انسان مادام که روح القدس را در خود فعال نکند، قادر نخواهد بود به حقایق قدسی معرفت یابد." (Hartman, 1919: 35)

جورج فاکس در تذکره‌ای که املا کرد، حضور روح القدس در زندگی عرفانی خود را این‌گونه شرح داده است: "در عین ثبات، چشم بصیرتش باز شد و به فتوحاتی رسید که توانست به مدد فیوضات روح القدس به فهم دقایق کتب مقدسه و حقایق دینی دست یابد." (فانینگ، ۱۳۸۴: ۳۴۵)

آکویناس معتقد است که روح القدس نور را افاضه می‌کند و این نور موجب می‌شود که ذهن به سویی حرکت کند که حقیقت را بفهمد و بیان کند. (See Aquinas, 1971: 73) هر حقیقتی در هر جا گفته شود از روح القدس است زیرا او نور را افاضه می‌کند و ذهن را به سویی حرکت می‌دهد که حقیقت را بفهمد و بیان کند. (Aquinas, 1971: 73) در نگاه او چون هر حقیقتی از روح القدس نشأت می‌گیرد، ما بدون برخوردارگی از فیض روح القدس نمی‌توانیم به حقیقت دست یابیم. (Aquinas, 1971: 69)

مارتین لوتر در این باب معتقد است که روح القدس به تفسیر مناسب از کلام مکتوب کمک می‌کند. (See Christensen, 1987: 65) جورج فاکس نیز فهم دقیقی کتب مقدسه و حقایق دینی را به مدد فیوضات

روح القدس ممکن می‌دانست. (ن.ک: فانینگ، ۱۳۸۴: ۳۴۵)

در عرفان اسلامی نیز روح القدس واسطه‌ی دریافت علم و حقیقت است. ابن عربی رسیدن به هر نوع معرفتی و علمی نه فقط در انبیا بلکه در تمام انسان‌ها را از طریق حقیقت محمدی (روح القدس) ممکن می‌داند. (ن.ک: ابن عربی، الفتوحات، ج ۳، ص ۴۵۷)

ابن عربی نیز رسیدن به هر نوع معرفتی و علمی نه فقط در انبیا بلکه در تمام انسان‌ها را از طریق حقیقت محمدی (روح القدس) ممکن می‌داند. (ن.ک: ابن عربی، الفتوحات، ج ۳، ص ۴۵۷)

## ۲،۲- منشأ و واسطه‌ی خلقت و حیات

پولس روح القدس را واسطه‌ی دریافت حیات می‌شناسد. او حیات جامعه‌ی مسیحی را اعطا شده از سوی خداوند و با واسطه‌گری روح القدس می‌داند. (See Dunn, 2006:206) او روح القدس را زنده کننده یا حیات‌بخش می‌داند. این زنده کردن می‌تواند بخشیدن حیات مادی یا معنوی و یا هر دو باشد: "... لیکن روح زنده می‌کند." (اول قرن‌تینان، فصل ۳، بند ۶)

آبای کلیسا کارکرد لوگوس ازلی را که وسیله‌ی آفرینش جهان است برای روح القدس قائل‌اند ... به نظر ایرنایوس، نه تنها لوگوس بلکه روح القدس نیز به عنوان وسیله‌ی آفرینش عمل می‌کند" (ن.ک: ولفسون، ۱۳۸۹: ۲۵۸)

دیونسیوس روح القدس را علت وجودی همه‌ی موجودات می‌داند (Rorem, 1998: 131) و براساس بند ۳۰ از فصل ۱۰۴ مزامیر معتقد است که همه‌ی خلقت پس از آن‌که خداوند روح القدس را فرستاد خلق شد. (Rorem, 1998: 138) توماس آکویناس نیز بر طبق اعتقادنامه‌ها، روح القدس را کسی می‌داند که به خلقت حیات می‌دهد. (See Aquinas, 1971: xviii) باسیل نیز در توصیف تأثیرات روح القدس بر زندگی انسان‌ها و دیگر موجودات بیان می‌کند که کارهای روح القدس برای نجات ما بسیار با عظمت است. او به همه چیز زندگی می‌دهد و منبع تقدس است. (See Fitzgerald, 2003: 8) وی می‌گوید: "روح القدس همراه با پدر که همه چیز را زنده می‌کند و با پسر حیات بخش، به همه چیز زندگی می‌دهد."

(Fitzgerald, 2003: 10)

در عرفان اسلامی نیز ابن سبعین ترتیب خلقت جهان را این گونه بیان می‌کند که عقل اول، واسطه‌ی فیض و واسطه و منشأ خلق همه‌ی خلایق شد. عقل اول، عقل دوم را ایجاد کرد و عقل دوم، عقل سوم را و به همین ترتیب تا عقل نهم، عقل دهم را ایجاد نمود. و از عقل دهم که آن نیز روح القدس یا عقل فعال نامیده شده، نخست روح انسان‌ها و جمادات و نباتات و حیوانات - که روح الاکوان نام دارد- (ن.ک: ابن سبعین، رسائل، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۹۶) و سپس اجسام آن‌ها خلق شد. او روح را به دو نوع تقسیم کرده: روح القدس و

روح الاکوان. طبق بیان ابن سبعین، همه‌ی اصناف ارواح از روح القدس (روح الارواح) پدید آمده‌اند و روحی نیز که در همه‌ی محسوسات (از حیوانات گرفته تا گیاهان و جمادات) وجود دارد (روح الاکوان)، از روح القدس خلق شده است. (ن.ک: ابن سبعین، رسائل، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۹۶)

محمی الدین ابن عربی نیز انوار همه‌ی ارواح را صادره از روح القدس می‌داند. (ن.ک: ابن عربی، الفتوحات، ج ۲، ص ۴۸۹) بابا رکنا منظور از «نفس واحده» مذکور در قرآن کریم را نزد طایفه‌ای عقل اول (روح القدس) می‌داند که نوع انسانی و همه‌ی انواع مخلوقات، از آن خلق شده‌اند. (ن.ک: بابا رکنا، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۴۶)

میبدی نیز می‌گوید: "و از عقل عاشر که بلسان شرع «جبرئیل» است هیولای عناصر و صور و اعراض و نفوس و قوای ایشان صادر شد." (حسین میبدی، ۱۳۷۶، ص ۹۲) عزیزالدین نسفی نیز معتقد است که عالم ملکوت از عقل اول پدید آمده است. (عزیزالدین نسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۸)

### ۲،۳- منبع و واسطه‌ی فیض

آکویناس در آثار خود دیدگاه‌های برجسته‌ای را درباره‌ی فیض روح القدس ارائه کرده است: "آنچه در عهد جدید در درجه‌ی نخست اهمیت است، برخوردار شدن از فیض روح القدس است که در ایمان به مسیح و عمل عاشقانه متجلی می‌شود. (Aquinas, 1971: 43) او قانون و شریعت جدید را فیض روح القدس می‌داند و معتقد است که این فیض فقط به کسانی داده می‌شود که به مسیح ایمان آورند. (See Aquinas, 1971: xxiii)

کمپس نتیجه‌ی درخواست قلبی صادقانه برای هدایت از طریق روح القدس را بهره‌مندی از فیض او می‌داند و می‌گوید: "روح القدس به‌شکلی اسرارآمیز کسانی را که صادقانه می‌خواهند از راه‌نمایی او پیروی کنند از فیض خود بهره‌مند خواهد ساخت. (Kettlewell, 1882: 125)

باسیل فیوض روح القدس به انسان‌ها را اعطای آگاهی از آینده، درک اسرار، آسمانی شدن، لذت بی پایان حضور در محضر خداوند، خدایی شدن، و بالاترین هدف، یعنی تبدیل شدن به خدا می‌شمارد و می‌گوید "او روشنایی معنوی، تقدس و الهی شدن را به انسان‌ها می‌بخشد. بدون روح القدس، خدای پدر و خدای پسر برای ما پنهان می‌مانند. (See Fitzgerald, 2003: 9)

سرافیم نیز معتقد بود کسانی که به بالاترین درجه‌ی فیض روح القدس دست می‌یابند، تغییر صورت [و ماهیت] می‌دهند. (Sheldrake, 2007: 155)

در عرفان اسلامی نیز روح القدس واسطه‌ی اعطای فیض است. به‌نظر عبدالرحمان جامی عقل اول واسطه‌ی بین حق و خلق در رسیدن فیض کامل حق به جمیع خلق است. (ن.ک: جامی، ۱۳۷۰، ص ۴۰) عزالدین نسفی عقل اول را فیض گیرنده‌ی بلا واسطه از حق معرفی می‌کند و می‌فرماید: "در مقام قوس نزول و در مرتبه ایجاد، عقل اول و قلم اعلی و ملائک مهیمه در مرتبه اول ایجاد قرار دارند و بلا واسطه از حق أخذ

فیض نمایند. " (همان ص ۸۸) هیچ‌یک از عقول و نفوس از باری تعالی و تقدس فیض قبول نمی‌توانند کرد، الا عقل اول، که اعلم و اشرف عقول است. عقل اول از باری تعالی و تقدس فیض قبول می‌کند، و به فرود خود می‌دهد. هریک از عقول از بالای خود می‌گیرند، و به فرود خود می‌دهند، هریک ید اخذ و ید اعطا دارند، می‌گیرند و می‌دهند. (عزیزالدین نسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷) قیصری نیز درباره‌ی وساطت عقل اول در رساندن فیض می‌فرماید: "نزد عرفا، عقل اول، نخستین قابلی است که از این نور ساری در مظاهر، بوجود خارجی متحقق شده است، و این فیض از مجلا و مشکات عقل اول به عقل ثانی و از عقل ثانی بعقل سوم و هکذا از جمیع مظاهر واقع در سلسله طولیه عبور نموده تا بآخرین مرتبه‌ی نازله وجود رسیده است و در قوس صعود نیز همین فیض واحد از نطفه‌ی مستقر در ارحام طبایع شروع به سیر تکاملی نموده و به مقام فناء فی الله سیر خود را ختم می‌نماید." (قیصری، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵)

#### ۲،۴- آشکار کننده‌ی اسرار

در نگاه پولس روح القدس اسرار را به زبان مردم می‌آورد. ایمان‌دارانی که با روح القدس پیوند می‌یابند؛ از اسرار الهی آگاه می‌شوند و براساس آن اسرار سخن می‌گویند. (ن.ک: رومیان فصل ۱۴، بند ۲) او از کشف اسراری از جمله کشف سرّ مسیح می‌گوید که به وسیله‌ی روح القدس بر او آشکار شده است. (ن.ک: افسسیان، فصل ۳، بند ۳ تا ۵) او هم‌چنین روح القدس را واسطه‌ی آشکار شدن حکمت پنهان خداوند بر مردم و پیامبران شمرده است. (ن.ک: رومیان، فصل ۲، بند ۱۰)

اورینگن نیز معتقد است که افراد با کمک روح القدس می‌توانند کتاب مقدس را تفسیر و رموز و اسراری از آن را که در حکم گنج هستند آشکار کنند. (see Trigg, 1998:104) باسیل نیز درک اسرار را یکی از مواهب روح القدس شمرده و می‌گوید "بدون روح القدس، [اسرار] خدای پدر و خدای پسر برای ما پنهان می‌ماند.

یکی از عارفان مسلمان نیز که کشف اسرار را از روح القدس دانسته ابن عربی است که می‌گوید: "اسرار روحانی الهی بر روح انسان، اسرار ولایت بر ولی‌الله، و اسرار نبوت بر نبی‌الله، به واسطه‌ی روح القدس آشکار می‌گردد." (ابن عربی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۱۳)

#### ۲،۵- صادر شده از ذات خدا

باسیل به وجود آمدن روح القدس را این گونه می‌داند که روح القدس از خدا است، نه آن گونه که چیزهای دیگر از خدا هستند؛ بلکه بدین علت که او از پدر صادر شده و مانند پسر به وجود نیامده است. (See Fitzgerald, 2003: 9) باسیل شخص اول تثلیث، یعنی پدر را نامخلوق می‌شمارد؛ پسر را مولود پدر، و روح القدس را صادر شده از خداوند می‌داند. (Fitzgerald, 2003: 5) ولی از نظر آکویناس روح القدس فقط از پدر صادر نشده؛ او از پدر و پسر صادر شده است. (Davies, 2004: 90)

برخی عارفان مسلمان چون عزیزالدین نسفی نیز روح القدس را صادر شده از ذات خداوند می‌دانند، چنان‌که نسفی گفته است: "عقل اول از ذات او (خداوند) صادر شد، چنان‌که شعاع آفتاب از قرص آفتاب، و چنان‌که وجود معلول از وجود علت." (عزیزالدین نسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۵)

## ۲،۶- ازل

باسیل معتقد است که روح القدس [از ازل] وجود داشته است (See Fitzgerald, 2003:10) ولی از نظر اوریگن، روح القدس ایجاد شده است، سپس همه چیز از طریق او ایجاد شد، و خود روح القدس از طریق کلمه ایجاد شده است، زیرا کلمه قدیم‌تر از او است. (Crouzel, 1989: 268) او معتقد است که در میان سه ذات پدر، پسر و روح القدس، هیچ کس غیر از پدر نامولود نیست. (Ibid) علامه مجلسی پس از برشماری نخستین خلایقی که خداوند خلق کرد (شامل، آب، عرش، کرسی، آسمان‌ها، زمین، لوح، قلم، بهشت، جهنم، ملائکه، آدم، حوا، و خلق نور حضرت محمد پیش از این‌ها بوده است) بیان می‌کند که روح القدس پیش از همه‌ی این‌ها وجود داشته است. (ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۴، ص ۱۹۸)

## ۲،۷- ساری در کل عالم هستی (همه جا حاضر)

آبای کلیسا یکی از اصلی‌ترین صفات روح القدس را «همه جا حاضر» می‌دانند. "کلمنت اسکندرانی می‌گوید روح القدس «همه جا» هست، آتاناسیوس می‌گوید: «روح همه چیز را پر می‌کند و به واسطه‌ی لوگوس، در کانون هر چیزی وجود دارد»؛ سیریل اورشلیمی می‌گوید آن «در همه چیز گسترش و سریان می‌یابد»؛ گرگوری نازیانزوسی می‌گوید که «هر چیز را آکنده می‌سازد»؛ گرگوری نوسایی می‌گوید روح القدس «سیطره دارد»، «همه جا وجود دارد»، و «همه چیز را آکنده می‌سازد»؛ و آمبروز می‌گوید: «روح القدس کل عالم را آکنده می‌سازد.» (ولفسون، ۱۳۸۹: ۲۵۸) باسیل نیز بر همین عقیده است و روح القدس را حاضر در همه جا می‌داند. (See Fitzgerald, 2003: 8)

قیصری در این باره می‌فرماید: "حقیقت محمدی (روح القدس) چون روح عالم است و عالم [مانند] جسد [اوست]، و [او] همچون روح در تمام تار و پود جسد [موجود است]؛ یعنی [در] این عالم سریان دارد. سرّ مطلب این است که حقیقت محمدی چون به تعین اول راه دارد، با نفس رحمانی که در تمام مراحل هستی سریان دارد، متحد می‌شود و بدین طریق در تمام هستی ساری و جاری می‌گردد." (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۱۸)

## ۲،۸- منبع و افاضه‌کننده‌ی نور

آکویناس معتقد است که روح القدس نور را افاضه می‌کند و این نور موجب می‌شود که ذهن به سویی حرکت کند که حقیقت را بفهمد و بیان کند. (See Aquinas, 1971: 73) باسیل روح القدس را منبع نور روحانی می‌داند که به همه‌ی کسانی که برای رسیدن به حقیقت از قدرت او استفاده می‌کنند روشنایی

می‌دهد. نورانیتی که او به اشتراک می‌گذارد از خود او است. (See Fitzgerald, 2003: 8) او نور را افزه می‌کند و ذهن را به سویی حرکت می‌دهد که حقیقت را بفهمد و بیان کند. (Aquinas, 1971: 73)

فرقه‌ی دوستان به تجربه‌ی بی‌واسطه از روح‌القدس و دریافت هدایت مستقیم از آن باور داشتند شکلی عرفانی از دین شخصی را مطرح کردند که مبتنی بر ادراک بارقه‌ای الاهی (Divine Spark) بود که در هر نفسی به ودیعه نهاده شده است. آنان معتقد به آموزه‌ی «نور باطنی» ناشی از روح‌القدس بودند. (ن. ک: آندرهیل، ۱۳۹۲: ۱۸۲)

جورج فوکس نیز معتقد بود که انسان بدون واسطه و تنها با هدایت نور باطنی که روح‌القدس به او عطا می‌کند، قادر است با خدا رابطه‌ی شخصی و مستقیم برقرار کند. (آندرهیل، ۱۳۹۲: ۲۴)

تاوولر نیز معتقد است که روح‌القدس می‌تواند با حضور خود بر نفس نازل گردد و آزادانه عمق و باطن روح را با جلوه‌ی محیرالعقول و نور الهی خود غرقه سازد. (Tauler, 1985: Sermon 19, p. 72)

ابن عربی نیز در تفسیر «یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار» (نور، ۳۵) می‌گوید درون‌مایه و جوهر آن مشکات (چراغ) که سرچشمه گرفته از نور قدسی فطری بالقوه‌ی آن است، با رسیدن به فعلیت و کمال متکی به خود، به همه چیز و همه جا نور می‌دهد، بآنکه نور عقل فعال بدان نرسیده و به نور روح‌القدس متصل نگشته است (ابن عربی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص ۷۵)

امام خمینی عقل اول را از جنس نور می‌داند و می‌نویسد: "اولین حقیقتی که از ناحیه کلمه «کن» وجود متعین شد، عقل اول و نور اوّل و قلم اعلی است که از سنخ نور است." (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳)

#### ۲،۹- منبع قدرت و قدرت دهنده

همان گونه که در انجیل‌ها ذکر شده، روح‌القدس منبع قدرت است و افراد به قوت او کارهای فراوان می‌کنند. پولس نیز قدرتمند شدن را تأثیر روح‌القدس می‌داند: "از روح او به قوت زورآور شوید." (افسسیان، فصل ۳، بند ۱۶)

مارتین لوتر روح‌القدس را قدرت پشتیبان کلمه می‌داند و معتقد است که روح‌القدس از کلمه به عنوان وسیله‌ای برای حضور و قدرت خود استفاده می‌کند. (preus, 1985:374) او درباره‌ی قدرت سامسون (شمشون پهلوان برگزیده‌ی یهوه) و ژولیوس سزار، یا هر ژنرال مشهور و یا شخص دیگری که هم‌زمان از قدرت جسمی و عقلی برخوردار است می‌گوید: "قدرت سامسون از روح‌القدس بود که به او شجاعت می‌بخشید؛ زیرا روح‌القدس کسانی را که با تواضع خدا را عبادت می‌کنند قادر می‌سازد که کارهای بزرگ انجام دهند. ... قدرت انسانی صرف قادر نیست کارهایی را که او انجام داد، انجام دهد." (Luther, -, 214)

کمپس نیز معتقد است که روح‌القدس به کسانی که از دعا و نماز خسته می‌شوند قوت می‌بخشد... و ایمان‌داران برای رسیدن به حقیقت از روح‌القدس قدرت می‌گیرند. (See Fitzgerald, 2003: 8)

علامه حسن‌زاده درباره‌ی قدرت حضرت علی علیه السلام می‌گوید که ایشان ازجا در آوردن دروازی قلعه‌ی خیبر و به پشت سر افکندن آن را حاصل قدرت جسمی نمی‌داند بلکه آن را نتیجه‌ی یاری رسانی و تأیید قدرتی ملکوتی ذکر می‌کند. (ن.ک: حسن‌زاده‌ی آملی، ۱۳۸۳، ص ۶۴)

ملاهادی سبزواری روح‌القدس را قدرت خدا می‌خواند. (ن.ک: ملاهادی سبزواری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۳۲) میبیدی درباره‌ی عقل عاشر می‌گوید: "و عقل عاشر را ... متعلق بنفوس ارضی می‌شمردند؛... و همین عقل فعال و روح‌القدس ... آلت قدرت الهی است" (همایی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۵۷) صدرالدین قونوی معتقد است که در اثر تأیید روح‌القدس به انسان قدرتی داده می‌شود که به فرمان خداوند در اجسام و امور عالم تصرف کند؛ تصرفاتی مانند شق القمر، زنده کردن مردگان، و تبدیل عصا به مار. (ن.ک: صدرالدین قونوی، ۱۳۸۱، ص ۸۳)

#### ۲،۱۰- متمثل شونده

در کتاب مقدس گزارش‌هایی از تمثیل روح القدس وجود دارد. روح‌القدس نخستین بار در بوت‌های آتش بر موسی ظاهر گشت و آغاز رسالت او را به وی اعلان نمود (ن.ک: خروج، فصل ۳، بند ۲) و سپس "در ابر نازل شد و با وی (=موسی) تکلم نمود." (اعداد، فصل ۱۱، بند ۲۵) و بر بنی اسرائیل نیز در قالب آتش و ابر متمثل شد (خروج، فصل ۱۳، بند ۲۱ و خروج، فصل ۱۴). یکی دیگر از بارزترین نمونه‌های تمثیل روح القدس را می‌توان ظهور وی بر حواریون در پنتی‌کاست<sup>۱</sup> دانست. در آن هنگام روح القدس مانند شراره‌های آتش بر حواریون ظاهر شد. (اعمال رسولان، فصل ۲ بند ۲ تا ۴)

مواردی از ظهور روح القدس بر عارفان مسیحی نیز گزارش شده است. ایگناتیوس لویولایی (Ignatius Levlia, 1491-1556) معروف‌ترین بانی فرقه‌ی جمعیت یسوعی از عارفانی است که در تجربه‌های عرفانی خود به‌روشنی از سخن گفتن و ملاقات با روح‌القدس سخن گفته است. وی می‌نویسد: [به هنگام صحبت با روح‌القدس] «به نظرم رسید که او را می‌بینم یا او را یافته‌ام که در غایت درخشش و تلالؤ یا در نوری از شراره‌ی نار موقده الهی، به نحوی کاملاً محسوس قرار داشت.» (فانینگ، ۱۳۸۴: ۳۰۱)

البته اوزیبیوس معتقد است که روح‌القدس (و لوگوس) شخص نیستند [و وجود خارجی ندارند]، و آن‌ها را صرفاً نیرویی الهی می‌داند؛ مانند وجود منطقی و عقل در انسان. (See Eusebius, 1890: 662) در متون اسلامی نیز مواردی از تمثیل وجود دارد. روح‌القدس به‌صورت‌های گوناگونی چون صورت دحیه‌ی کلبی و غیر آن بر پیامبر متجلی شده است. (ابن عربی، ۱۹۹۴، ج ۱۲، ص ۲۸۲) و به‌صورت آتش بر موسی ظاهر شد. (عبدالرزاق کاشانی، ۱۳۷۰، ص ۲۶۰) (ابن عربی، ۱۴۲۲، ق، ج ۲، ص ۲۰) (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۹۴)

<sup>۱</sup> عید پنجاهه؛ پنجاه روز پس از برخاستن عیسی از مردگان که روح القدس بر حواریون وی ظاهر شد.

ابن عربی قائل به تمثیل روح القدس است، زیرا که روح القدس به صورت‌های گوناگونی چون صورت دحیه‌ی کلبی و غیر آن متجلی شده است؛ ولی از آن‌جاکه ذات او منزّه از تغییر و تحول است، این تغییرات در ادراک ما است نه در روح القدس. (ن.ک: ابن عربی، ۱۹۹۴م، ج ۱۲، ص ۲۸۲)

یکی دیگر از قالب‌هایی که روح القدس از آن برای تمثیل یافتن استفاده کرده، آتش است. ابن عربی معتقد است که «نار» در داستان موسی در قرآن کریم همان روح القدس است و می‌گوید: ألا تری کیف سمی روح القدس عند اتصال موسی به ناراً حیث قال- بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا- و قال- آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ ناراً. (عبدالرزاق کاشانی، ۱۳۷۰، ص ۲۶۰) و ابن عربی در باب آیه‌ی «إِذْ رَأَى ناراً» می‌فرماید: این آتش همان روح القدس است که از آن، نور به نفوس انسان‌ها جاری می‌شود.<sup>۱</sup> (ابن عربی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص ۲۰) شیخ اشراق نیز بر همین قول مهر تأیید زده، در تأیید گفته‌ی ابن عربی، در چند موضع قرآن کریم، «نار» را به روح القدس یا همان پدر مقدس انسان‌ها تفسیر می‌کند و می‌گوید: "و قوله «وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ ناراً» (نور، ۳۵) هذه النار هو الأب المقدس- روح القدس- و هو النار التي جاءت في قوله: «أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ» (نمل، ۸) أي المتصلين بها «وَمَنْ حَوْلَهَا» أي المحييين للمتصلين بها." (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۹۴)

## ۱۱، ۲- الهامگر

اورینگن معتقد است که روح القدس الهام بخش کتاب مقدس است و به ما درک درستی از آن می‌دهد. او نه تنها نویسنده‌ی کتاب مقدس است، بلکه معنی الهام شده‌ی کتاب مقدس را به آن می‌دهد. (Crouzel, 1989: 267) به اعتقاد او، روح القدس به همه‌ی قدیسان، پیامبران و حواریون الهام کرده است. (see Trigg, 1998: 20) مارتین لوتر نیز به همین صورت، براساس تعالیم کتاب مقدس معتقد است که روح القدس نوشتن کتاب مقدس را الهام بخشید. (رساله دوم پطرس، فصل ۱، بند ۲۱ تا ۲۲) ترزا "به روشنی بیان می‌کند که همه‌ی آنچه در کتاب قلعه‌ی درونی نوشته، از الهام روح القدس است." (Backer, 1921: 80) یان وان رویسبروک (Jan Van Rusbroke or Ruysbroeck, 1293-1381) همیشه می‌گفت که نوشته‌هایش به‌طور مستقیم از سوی روح القدس به او القا می‌شده است. (See King, 2004: 58) او مدعی بود که بیشتر رساله‌های اسرارآمیز خود را در صومعه‌اش تحت راهنمایی روح القدس نوشته است. (Montmorency, 1906: 75) او تأکید می‌کرد که "من هرگز کلماتی در کتاب‌هایم ننوشتم که به الهام روح القدس نبوده باشد." (فایننگ، ۱۳۸۴: ۲۲۹)

<sup>۱</sup> هی روح القدس التي ينقدح منها النور في النفوس الإنسانية



ویلیام لو در کتاب روح محبت (۱۷۵۲) سخن از الهام دائمی از روح القدس می‌گوید و آن را ضروری می‌داند و می‌گوید: "درک ثابت و همیشگی حضور روح خداوند در باطن ما امری مطلقاً ضروری است." (Law, 1981: 403) او الهامات را محدود به اوقات خاص یا مختص انبیا، رسولان، پیامبران اولوالعزم و حواریون نمی‌داند و حتی الهامات روح القدس را به مسیحیانی که خود را برگزیدگان خداوند می‌دانند، محدود نکرده و بیان می‌کند که: "چه اشتباه است اگر الهامات را به هنگام‌هایی خاص و مواردی نادر، و به انبیا و یا رسولان و یا حواریون و پیغمبران اولوالعزم خداوند محدود کنیم." (Law, 1981: 403)

یکی از ویژگی‌های روح القدس در عرفان اسلامی آموزه‌ای است که در اصطلاح به آن «نفث روح» گویند و در این پژوهش با «نفث روح القدس» از آن یاد می‌کنیم. نفث بر وزن نذر به معنی «الهام کردن چیزی را در دل کسی» (معلوف، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹۷۳) و روح بر وزن قول، به معنی «ترس» و «قسمتی از قلب که جای ترس است» (همان، ج ۱، ص ۶۴۰) بنابراین نفث فی روح به معنی «الهام کردن در دل» است. یکی از بیانات شاخص ابن عربی در ارتباط با این آموزه، این جمله‌ی او در فتوحات است: «أن یخصنی باللقاء السُّبُوحی و النَّفْثِ الرُّوحی فی الرُّوعِ النفسی بالتأیید الاعتصامی» قیصری در شرح این قول ابن عربی القا یا القای خاطر را به دو قسم رحمانی و شیطانی تقسیم می‌کند و القای سبوحی را همان القای رحمانی می‌خواند که از القائنات شیطانی منزّه است. او نفث را چیزی می‌داند که از روح افزای می‌شود. (قیصری، ۱۳۷۵، ص ۳۱۴)

صدرالمتألهین پس از بیان برخی معارف و علوم می‌گوید: این علوم را به واسطه‌ی نفث روح القدس از خزائن اسرار دریافت نمودم. (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۳۰۰) صاحب تفسیر روح البیان، اثر خود را حاصل نفث روح القدس و الهام او از مقام ملکوت می‌داند. (ن.ک: حقی بروسوی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴، ص ۳) قیصری شعر مولانا را القای ربانی و تلقین روح القدس تلقی می‌کند. (زرین کوب، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۹) عبدالباعث نیز در بیان تفاوت علم صوفی و فیلسوف اظهار داشته که صوفی به واسطه‌ی برخوردارگی از علم نفث فی روح با فیلسوف فرق می‌کند، زیرا او علم خود را از طریق مشاهده و الهام کسب می‌کند. (سهیلۀ عبد الباعث، ۱۴۲۲ق، ص ۲۱۳)

## ۲،۱۲- تدبیرگر نفوس

در نظر آباء کلیسا... لوگوس پس از آفرینش جهان به عنوان مبدأ تدبیر و اداره‌ی جهان در آن ساری و جاری می‌شود. (ن.ک: ولفسون، ۱۳۸۹: ۲۵۸)

حکمای مسلمان معتقدند نفس انسانی ... تحت تربیت و تدبیر عقل فعال و «روح القدس» است که او را عقل عاشر نیز می‌گویند. (همایی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۵۷)

## ۳- ابعاد غیر مشترک ماهیت روح القدس

منظور از ماهیت غیرمشترک، ابعادی از ماهیت روح القدس است که در عرفان یکی از دو دین بدان تصریح شده ولی در عرفان دین دیگر، گزارشی مبنی بر نقض آن وجود ندارد. برای مثال، روح القدس در عرفان مسیحی آینه‌ی خوبی‌های خدا است (See Fitzgerald, 2003:10) اما در عرفان اسلامی گزارشی در این مورد وجود ندارد؛ باین حال، تصریحی مبتنی بر رد یا نقض این ماهیت هم وجود ندارد. به بیان دیگر، ابعاد غیرمشترک ماهیت روح القدس ابعادی هستند که در عرفان یک دین ذکر شده‌اند، ولی در عرفان دین مقابل، مابه‌ازایی برای آن‌ها ذکر یا یافت نشده است. بنابراین، این ابعاد را متناقض نمی‌دانیم، زیرا عرفان هیچ یک از دو دین آن را رد نکرده و ممکن است مورد قبول هر دو باشد. این ابعاد به صورت خلاصه به شرح زیر هستند.

### ۳,۱- ابعاد غیرمشترک در مسیحیت

اعطاشونده بدون کاستی (Fitzgerald, 2003: 8) (Fitzgerald, 2003: 8)  
آینه‌ی خوبی‌های خدا (See Fitzgerald, 2003:10)  
درک ناشدنی (See Fitzgerald, 2003:10)  
دور از دسترس ولی قابل دسترس (Fitzgerald, 2003: 8)  
منبع تقدس (See Fitzgerald, 2003: 8-10)

### ۳,۲- ابعاد غیرمشترک در اسلام

تربیت‌کننده‌ی نفوس (همایی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۵۷)  
صاحب عرش (حسینی همدانی، متوفی ۱۲۷۵ق، ج ۲، ص ۲۲۷)  
فاقد نیازهای انسانی و لهو و لعب (صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۵۴ و ۴۴۷)  
منبع و معدن آنچه خلایق بدان نیاز دارند (روزبهان بقلی شیرازی، متوفی ۶۰۶ق، ج ۲، ص ۴۵۷)  
متفاوت با ارواح دیگر (ابن سبعین، رسائل، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۹۶)  
نامخلوق و وجهی از خدا (سیدحیدر آملی، ۱۳۶۸، ص ۶۸۸) (ابن سبعین، رسائل، ۱۴۲۸ ق، ص ۳۹۶)  
اسم اعظم (ابوالفضل میبیدی، متوفی ۵۳۰ق، ج ۱، ص ۲۶۴)  
قلم (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۷۴۶)  
ولایت خدا (ابن عربی، قونوی، ۱۴۲۵ ق، ص ۹۸)  
پادشاه عالم ارواح (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۷۲۱)  
پدر پیامبران و انسان‌ها (ابن عربی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص ۲۳ و ۳۹۲ و ۴۳۹)  
مقام شامخ انبیا و اولیاء (امام خمینی، ۱۳۸۳، ص ۵۴۶-۵۴۵)

#### ۴- ابعاد متناقض ماهیت روح القدس

منظور از ماهیت متناقض روح القدس در عرفان مسیحی و اسلامی ماهیتی در عرفان یک دین است که عرفان دین دیگر آن را نقض کرده باشد. تنها وجه اصلی متناقض روح القدس در عرفان مسیحی و اسلامی الوهیت روح القدس در عرفان مسیحی است. پولس (ن.ک: دوم قرنیتان، فصل ۳، بند ۱۸) و بیشتر عارفان مسیحی قائل به مقام الوهیت برای روح القدس هستند. (See Fitzgerald, 2003) این درحالی است که در سنت و عرفان اسلامی، خداوند واحد، همان ... است (نسا، ۱۷۱) و از اله خواندن هر کسی یا چیزی در کنار ... نهی شده است. (اسراء، ۲۱)

#### نتیجه

از بررسی و مقایسه ابعاد گوناگون ماهیت روح القدس در عرفان مسیحی و اسلامی می توان به چند نتیجه‌ی اساسی دست یافت.

نخست این که این ماهیت در عرفان مسیحی و اسلامی، در بیش تر ابعاد مشترک است؛ جز آن که اکثر عارفان مسیحی برای روح القدس جایگاه الوهیت قائلند<sup>۱</sup> و عارفان مسلمان براساس آموزه‌های قرآن کریم، هیچ وجودی را در الوهیت با خداوند شریک نمی دانند. از این یافته‌ی اساسی می توان نتیجه گرفت که آنچه در عرفان مسیحی و اسلامی روح القدس نامیده می شود یکی و یک وجود است.

در عرفان مسیحی روح القدس در بیش تر ویژگی‌های ذکر شده نقش منبع و منشأ دارد و در عرفانی اسلامی نقش واسطه‌ی اعمال آن ویژگی در مورد جهان را ایفا می کند. برای مثال در عرفان مسیحی او منشأ خلقت است ولی در عرفان اسلامی واسطه‌ی خلقت.

ماهیت مشترک شامل روح القدس شامل این ویژگی‌ها است: او یک فرشته و همان جبرئیل است؛ در عرفان مسیحی، «حقیقت عیسوی» یعنی همان مسیح ازلی یا لوگوس، و در عرفان اسلامی «حقیقت محمدی» است. او منشأ و واسطه‌ی معرفت و حقیقت، منشأ و واسطه‌ی خلقت و حیات، منبع و واسطه‌ی فیض، آشکار کننده‌ی اسرار، صادر شده از ذات خدا، ازلی، ساری در کل عالم هستی و همه جا حاضر، منبع و افاضه کننده‌ی نور، منبع قدرت و قدرت دهنده، متمثل شونده، الهامگر و تدبیرگر نفوس است.

ماهیت غیر مشترک او نیز شامل ابعادی از وجود او می شود که در دو عرفان مشترک نیستند ولی نقیضی هم برای آن‌ها یافت نمی شود.

---

<sup>۱</sup> برای نمونه به رساله‌ی باسیل (Fitzgerald, 2003) بنگرید.

## منابع

### کتاب مقدس

۱. قرآن کریم، بدون ترجمه
۲. کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمه‌ی رابرت بروس و کاراپت اوهانس (معروف به ترجمه‌ی قدیم)، ۱۸۹۵ م.

### منابع فارسی و عربی

۳. ابن ترکه، صائن الدین علی (۱۳۷۵)، «شرح گلشن راز» (ابن ترکه)، ۱ جلد، تهران، نشر آفرینش، چاپ اول
۴. ابن سبعین، عبد الحق بن ابراهیم بن محمد، (۱۴۲۸ ق)، «رسائل ابن سبعین»، محقق / مصحح: احمد فرید المزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیه
۵. ابن عربی، محیی الدین (۱۴۲۲ ق)، «تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)»، محقق / مصحح: سمیر مصطفی رباب، ۲ جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی
۶. ابن عربی، محیی الدین (۱۹۹۴ م)، «الفتوحات المکیه (عثمان یحیی)»، ۱۴ جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی
۷. ابن عربی، محیی الدین (متوفی ۶۳۸ ق)، «الفتوحات المکیه»، اربع مجلدات، بیروت، دار الصادر
۸. ابن عربی، محیی الدین (۱۴۱۴ ق)، «الطریق الی الله الشیخ و المرید من کلام الشیخ الاکبر»، محقق / مصحح: محمود محمود الغراب، دمشق، دار الکتب العربی، چاپ دوم
۹. آشتیانی، سید جلال الدین (۱۳۷۰)، «شرح مقدمه قیصری»، ۱ جلد، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم
۱۰. آندرهیل، اولین (۱۳۹۲)، «عارفان مسیحی»، ترجمه‌ی حمید محمودیان و احمد رضا مؤیدی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ سوم.
۱۱. بابا رکتا، مسعود بن عبد الله شیرازی، (۱۳۵۹)، «نصوص الخصوص فی ترجمه الفصوص»، ۱ جلد، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، تهران، چاپ اول
۱۲. البرسی، حافظ رجب، (متوفی ۸۱۳ ق)، «مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنین علیه السلام»، ترجمه و تحقیق لطیف راشدی و سعید راشدی، قم، ذوی القربی
۱۳. بقلی شیرازی، شیخ روزبهان (۱۳۴۹)، «شرح شطحیات»، تصحیح هانری کربن، تهران، طهوری

۱۴. البونی، احمد بن علی (۱۴۲۷ق)، «شمس المعارف الكبرى»، بیروت، موسسه النور للمطبوعات
۱۵. الترجمان، سهیله عبد الباعث (۱۴۲۲ق)، «نظریه وحدۀ الوجود بین ابن عربی و الجیلی»، جلد، بیروت، مکتبه خزعلی، چاپ اول
۱۶. جامی، عبدالرحمان بن احمد (۱۳۷۰ش)، «نقدالنصوص فی شرح نقش الفصوص»، ج ۱، تهران، چاپ ویلیام چیتیک
۱۷. جلال الدین همایی، (۱۳۸۵)، «مولوی نامه؛ مولوی چه می گوید؟»، ۲جلد، جلد ۱، تهران، نشر هما، چاپ دهم
۱۸. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۳)، «انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه»، جلد، تهران، الف لام میم، چاپ اول
۱۹. حقی بروسوی، اسماعیل، (متوفی ۱۱۳۸ق) «تفسیر روح البیان»، ۱۰جلد، بیروت، دار الفکر، چاپ: اول
۲۰. خمینی(ره)، سیدر روح ا... الموسوی (۱۳۷۶)، «مصباح الهدایه إلى الخلافة و الولاية»، جلد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم
۲۱. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷)، «سرنی»، ۲جلد، تهران، انتشارات علمی، چاپ هفتم
۲۲. سهروردی، شهاب الدین (شیخ اشراق)، (۱۳۷۵)، «رسائل شیخ اشراق»، ۴جلد، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم
۲۳. سهروردی، شهاب الدین (شیخ اشراق)، (۱۳۷۵)، «رسائل شیخ اشراق»، ۴جلد، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم
۲۴. سهروردی، شهاب الدین، (بی تا)، «رسائل شیخ اشراق»، محقق / مصحح: هانری کرین، سید حسین نصر، نجفقلی حبیبی، ۴ جلد، بی جا، بی نا
۲۵. الشعرائی، عبد الوهاب (۲۰۰۷م)، «الجواهر المصون و السرالمرقوم فیما تتجه الخلوۀ من الاسرار و العلوم»، جلد، قاهره، دار جوامع الكلم
۲۶. صدر المتألهین الشیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳)، «مفاتیح الغیب»، جلد، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ اول
۲۷. صدر المتألهین الشیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳)، «مفاتیح الغیب»، جلد، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ اول
۲۸. صدرالدین قونوی، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱)، «تبصره المبتدی و تذکره المنتهی»، تصحیح و ترجمه نجفقلی حبیبی، قم، انتشارات بخشایش

۲۹. طباطبایی، علامه سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
۳۰. عبدالرزاق کاشانی، (۱۳۷۰)، «مجموعه رسائل و مصنفات کاشانی»، ۱ جلد، تهران، میراث مکتوب، تهران، چاپ دوم
۳۱. عزیزالدین نسفی، (۱۳۸۶)، «الإنسان الكامل» (نسفی)، ۱ جلد، تهران، انتشارات طهوری، چاپ هشتم
۳۲. عطار نیشابوری، فرید الدین (۱۳۷۶)، «لسان الغیب»، محقق / مصحح: حسین حیدر خانی مشتاقعلی، تهران، انتشارات سنائی
۳۳. غزالی، ابو حامد محمد و مؤید الدین خوارزمی، (۱۳۸۶)، «ترجمه احیاء علوم الدین»، ۴ جلد، تهران، نشر علمی و فرهنگی، چاپ ششم
۳۴. غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۸۳)، «کیمیای سعادت»، محقق / مصحح: حسین خدیو جم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۳۵. غزالی، ابو حامد محمد (بی تا)، «احیاء علوم الدین»، محقق / مصحح: عبد الرحیم بن حسین حافظ عراقی، ۱۶ جلد، (بی جا)، (بی نا)
۳۶. فانینگ، استیون (۱۳۸۴)، عارفان مسیحی، ترجمه‌ی فریدالدین رادمهر، تهران، انتشارات نیلوفر
۳۷. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۷ ق)، المحجۀ البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ۸ جلد، ج ۷، قم، موسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ چهارم
۳۸. القشیری، ابوالقاسم عبد الکریم (بی تا)، «لطائف الإشارات»، محقق / مصحح: ابراهیم بسیونی، ۳ جلد، ج ۳، هیئة المصریة العامه للکتاب
۳۹. قیصری، داوود (۱۳۸۱)، «رسائل قیصری»، ۱ جلد، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران،
۴۰. قیصری، داوود (۱۳۷۵)، «شرح فصوص الحکم»، ۱ جلد، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول
۴۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق)، «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام»، بیروت، چاپ دوم
۴۲. معلوف، لويس (۱۳۷۴)، «المنجد»، ترجمه‌ی محمد بندر ریگی، ۲ جلد، تهران، انتشارات ایران.
۴۳. ملا هادی سبزواری، (۱۳۷۴)، «شرح مثنوی»، ۳ جلد، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول

۴۴. میبدی، ابو الفضل رشید الدین (متوفی ۵۳۰ق)، «کشف الأسرار و عدة الأبرار»، محقق / مصحح: علی اصغر حکمت، ۱۰جلد، ج ۹، بی جا، بی نا
۴۵. میبدی، حسین بن معین الدین (۱۳۷۶)، «دیوان امیر المومنین امام علی بن ابی طالب (ع)»، (ترجمه و شرح میبدی)، ۱جلد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، چاپ اول
۴۶. نجم الدین رازی دایه، (۱۳۲۲ ق)، «مرصاد العباد»، ۱جلد، تهران، بی نا
۴۷. ولفسون، هری اوسترین (۱۳۸۹)، فلسفه‌ی آبابی کلیسا، ترجمه‌ی علی شهبازی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

### منابع لاتین

1. The New American Bible. Pdf Version.
2. Backer, Thomas; (1921) About The Interior Castle or The Mansions by St. Teresa of Avila, Grand Rapids, MI: Christian Classics Ethereal Library, London: Thomas Baker, 3rd ed, Available in: <http://www.ccel.org/ccel/teresa/castle2.html>
3. Bishop Alexander, Semenoff- Tian- Chansky, (1955) Father John of Kronstadt: A Life, London and Oxford, Mowbrays.
4. Christensen, Larry; (1987) Welcome, Holy Spirit: A Study of Charismatic Renewal in the Church, Amazon Best Sellers Rank, Augsburg Fortress Pub.
5. Compellingtruth: What is the fruit of the Spirit? Available in: <https://www.Compellingtruth.org/fruit-of-the-Spirit.html>
6. Davies, Oliver and Danys Turner; (2004), Negative Theology and Incarnation, Cambridge University Press, New York, Available in: <http://www.cambridge.org>
7. Dunn, James D. G. (ed.); (2006) The Cambridge Companion to St Paul, Cambridge University Press. Available in: <https://www.cambridge.org/core/...st-paul/>
8. Eusebius, Pamphiliu; (1980) Church History, Life of Constantine, Oration in Praise of Constantine, Christian Classics Ethereal Library, New York: Christian Literature Publishing Co., <http://www.ccel.org/ccel/schaff/npnf201.html>
9. Fitzgerald, Brian Ephrem; (2003) Saints Basil the Great, John Chrysostom, and Gregory the Theologian, St. Philip's Antiochian Orthodox Church, Souderton.
10. Hilton, Walter; (1991) The Scale of Perfection, John P.H. Clark and Rosemary Dorward (trans.), New York and Mahwah, NJ, Paulist Press.
11. Kettlewell, Rev. s; (1882) Thomas a Kempis and the Brothers of Common Life, Second Edition, Abridged, vol. 2, New York, G. P. Putnam Sons.

12. King, Ursalam; (2004) *Cristian Mystics, Their Lives and Legacies throughout the Ages: St. Mechtild of Magdeburg (c. 1210–1297)*, London and New York, Routledge.
13. Law, William; (1981) *A serious call*, in William Law, *A serious call to a devout life and holy life, the spirit of love*, Paul G. Stanwood (trans.), New York, Ramsey and Toronto, Paulist Press.
14. Luther, Martin; (1483-1546), *Table Talk*, William Hazlitt, Esq.
15. Preus, Robert D.; (1985) *The Theology of Post-Reformation Lutheranism*, Amazon Best Sellers Rank, Augsburg Fortress Pub. Concordia Pub House.
16. Robert, Alexander and James Donaldson (eds); (1887) *The Ante-Nicene Fathers*, vol. 2, Buffalo, Christian Literature Publishing.
17. Rorem, Paul; and John C. Lamoreaux (1998), *John of Scythopolis and the Dionysian Corpus, Annotating the Areopagite*, Oxford, Oxford University Press.
18. Sheldrake, Philip; (2007) *A Brief History of Spirituality*, Blackwell Brief Histories of Religion, Blackwell Publishing, USA, UK, Oxford.
19. St. Thomas Aquinas; (1971) *Summa Theology, Volume 30, The Gospel of Grace*, Latin text. English translation, Introduction, Notes, Appendices &
20. Tauler, Josef Schmidt; (1985) *Introduction*, in Johannes Tauler, *Sermons*, Maria Shradly (trans.), New York and Mahwah, NJ, Paulist Press.
21. Trigg, Joseph W; (1998) *Origen*, London and New York, Routledge.